



تحلیلی معناشناختی از

کعبه معظمه

اصغر عزیزی پور*

چکیده

کعبه، مقدس‌ترین معبد الهی، نماد همیشگی اسلام، کانون گسترش کره خاکی و اولین نقطه مسکونی زمین است. این کانون قدسی، عمری به درازای حیات این جهان دارد و همچون نگینی فروزان بر تارک هستی درخشیده و چراغ راه و مایه هدایت بشر می‌باشد. عرش خدا در زمین، محور و مدار توحید، جاذبیت خارق العاده، مصونیت اعجاب آمیز، پناهگاه امن بشر، هدایت عالمیان، پرچم و بیرق اسلام، قوام دین، استواری مردم، برابری و مساوات، اتحاد و انسجام، پیوند با ولایت و آمرزش گناهان؛ برخی از برجسته‌ترین ویژگی‌های نمادین این معبد قدسی است. این نوشتار، با رویکردی ارتباطی، به معناشناسی خانه کعبه به عنوان پیچیده‌ترین نماد حج پرداخته و جنبه‌های نمادین آن را به عنوان راهبردی شناختی برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی: ارتباط، نماد، حج، کعبه

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات گرایش حج و زیارت.

کعبه، در سرزمین گرم و خشک حجاز و در شهر مکه قرار دارد و مسلمانان برای برپایی آیین‌های مختلف مذهبی، از جمله مناسک حج با آن در ارتباط‌اند؛ کعبه خانه‌ای است که به دلیل معماری آن به دست پیامبران الهی، مورد تقدیس و احترام همگانی و قبله‌گاه موحدان است؛ تمامی مسلمانان در اطراف و اکناف عالم می‌بایست به هنگام نماز و عرض بندگی و نیاز سوی آن بایستند. حریم اطراف کعبه قدمگاه پیامبران و اولیای الهی بوده و اماکن مقدّسی؛ از جمله مسجد الحرام آن را احاطه کرده و بر قداست آن افزوده است.

کعبه، محوری‌ترین جایگاه تجلی توحید و بارزترین محل ارتباط مردم با خداست که ژرف‌ترین و عمیق‌ترین مفاهیم ارزشی را در نظم نمادین خود جای داده است. شناخت و فهم صحیح این مفاهیم ارزشی و نمادین، از فهم اکثر آیین‌گزاران خارج بوده و نیازمند واکاوی و شرح است؛ چرا که آیین‌گزارانی که به یک سمت رو کرده و گرد یک محور و مطاف می‌گردند، هنگامی که به مزایای معنوی آن محور توحیدی آشنا باشند، معبود خود را بهتر شناخته و او را بی‌شائبه‌تر می‌پرستند. این نوشتار بر آن است تا ضمن معناشناسی این مکان مقدّس، ابعاد ارتباطی و جنبه‌های نمادین آن را برجسته سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نام‌های کعبه

قرآن کریم، از این مکان مقدّس، با نام‌هایی چون: «الکعبه» (مائده: ۹۵ و ۹۷)، «المسجد الحرام» (بقره: ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۱۷؛ مائده: ۲؛ انفال: ۳۴؛ توبه: ۷، ۱۹، ۲۸؛ اسراء: ۱؛ حج: ۲۵؛ فتح: ۲۷)، «البيت» (بقره: ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۵۸؛ آل عمران: ۹۷؛ مائده: ۲، ۹۷؛ انفال: ۳۵؛ هود: ۷۳؛ حج: ۲۶، ۳۳؛ احزاب: ۳۳؛ قريش: ۳)، «بيت» (آل عمران: ۹۶؛ نساء: ۸۱؛ اسراء: ۹۳؛ قصص: ۱۲؛ ذاریات: ۳۶)، «بیتي» (بقره: ۱۲۵، حج: ۲۶؛ نوح: ۲۸)، «البيت الحرام» (مائده: ۲ و ۹۷)، «بيتك المحرم» (ابراهيم: ۳۷)، «البيت العتيق» (حج: ۳۳)، «بکة» (آل عمران: ۹۶) و «البيت المعمور» (طور: ۴ - ۱) یاد کرده است که هر کدام از آنها حکایت از برخی ویژگی‌های نمادین آن معبد

قدسی دارد.

درباره اینکه چرا خانه خدا «کعبه» خوانده شد، احتمالات گوناگون وجود دارد؛ در زبان عربی خانه‌های چهار گوش و مربع شکل را کعبه می‌گویند و این خانه نیز چون به شکل مربع و چهار گوش است، آن را «کعبه» خوانده‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق. / ص ۷۱۲) همچنین به وسط هر چیزی، کعبه گفته می‌شود و چون کعبه در وسط دنیا واقع است، به این نام خوانده‌اند؛ (طریحی، ۱۴۱۶ق. / ج ۲، ص ۱۶۱) علاوه بر این، هر چیزی را که دارای ارتفاع و بلندی از سطح زمین باشد، کعبه می‌گویند (الحموی، ۱۹۹۵م، چاپ دوم، ج ۴، ص ۴۶۵) و چون خانه خدا، دارای ارتفاع ظاهری و رفعت معنوی است، «کعبه» نامیده شد. به گفته روایات، همان طور که نباید از لحاظ سیرت کسی برتر از کعبه باشد، از جهت صورت نیز نباید بنایی برتر و بلندتر از آن ساخته شود. (کلینی، ۱۴۲۹ق. / ج ۸، ص ۱۲۰).

گاهی نیز در منابع دینی؛ از جمله قرآن کریم، به اعتبار اینکه کعبه در مسجد الحرام واقع شده، به قرینه ظرف و مظروف، به آن «مسجد الحرام» گفته می‌شود. گاهی هم آن را «بیت» نامیده‌اند. در زبان عرب، پناهگاه و محل رجوع و جمع شدن را بیت می‌گویند؛ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق. / ج ۱، ص ۳۲۴) راغب در مفردات، بیتوته را توقف شبانه دانسته، می‌نویسد:

«بیت در اصل به معنای پناهگاه شبانه انسان است؛ چنانکه بیتوته یعنی شب را در جایی به صبح رساندن. آنگاه به مسکن (محل سکونت و سکون) بیت گفته شده، بدون اینکه تنها شب ماندن در آن لحاظ باشد.» (راغب، ص ۱۵۱)

بر این اساس، چون کعبه مأمن و پناهگاه مردم بوده (بقره: ۱۲۵) و انسانها را از ظلمات گمراهی و ناآرامی پناه داده و گرد هم جمع می‌کند، آن را «بیت» می‌گویند.

گاهی نیز خداوند متعال برای بیان عظمت و فضیلت کعبه، آن را خانه مخصوص خود معرفی کرده و با عنوان «بیتی» می‌آورد. (بقره: ۱۲۵؛ حج: ۲۶) در مواردی هم به دلیل اینکه قتل و غارت و سایر تعدیات و محرمات در خانه کعبه حرام و موجب هتک حرمت آن مکان شریف است و داخل شدن مشرک و کافر نیز در آن خانه حرام می‌باشد (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق.) و هر مسلمانی که در آنجا رود، محترم و از هر گونه تعرضی ایمن است، «بیت الله الحرام» نامیده شده است. (بیگلری، ۱۳۶۴، چاپ دوم، ص ۱۲۷).

از دیگر، نام‌های کعبه «البيت العتيق» است. عتیق از ماده «عتق» به معنای آزاد شدن از بند رقیت است. (جوهری، ۱۴۱۰ق. / ج ۴، ص ۱۵۲۰). و از معانی دیگر کعبه، کهن و قدیمی است؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴ق. / ج ۱۰، ص ۲۳۶). همین مضمون در روایات هم آمده است و گفته‌اند به معنای خوب و کریم است؛ (راغب اصفهانی، ص ۵۴۵). و خانه مکرمی است که زیارت کنندگان را از آتش آزاد کرده و می‌رهاند. (فخر رازی، چاپ سوم، ج ۸، ص ۱۴۸) همچنین گفته شده کعبه از آن جهت که از غرق شدن در طوفان نوح رهایی یافت، «عتیق» خوانده شد. (اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق. / ج ۱، ص ۱۵۵).

آری، کعبه بیت عتیقی است که صاحب آن خدا، و اهل آن مردم‌اند؛ بنابراین، انسان‌ها از هر گوشه جهان که به خانه کعبه آمده باشند، نمازشان کامل و تمام است؛ چرا که مسافر نبوده و به میهن و حریم امن خانه و کاشانه خویش مراجعت نموده‌اند. (شریعتی، ۱۳۸۷، چاپ بیستم، ص ۶۱). علاوه بر آنچه گفته شد، در موارد اندکی هم خانه کعبه را «بکه» خوانده‌اند، اگرچه این عنوان بیشتر در مورد مسجدالحرام و شهر مکه، به کار رفته است. آن را «بکه» هم گفته‌اند. اصمعی گوید: زیرا مردم با یکدیگر نرمی می‌کنند و مجاهد گوید: «با»ی بکه را به «میم» بدل کرده‌اند؛ چنان‌که لازب را لازم گویند؛ چه، مخرج میم و باء به هم نزدیک است و نخعی گوید بکه با باء بر خانه کعبه و مکه با میم بر شهر اطلاق شود و زهری گوید: بکه با «باء»، بر کلیه مسجد و مکه با «میم» بر حرم اطلاق می‌گردد؛ (حضر می اشبیلی تونسلی، ۱۴۰۸ق. / ۱۹۸۸م، چاپ دوم، ج ۱، ص ۴۴۰).

همچنین اهل لغت «بک» را به معنای ازدحام و بگه را محل ازدحام گویند. بنابراین، چون محل بیت و اطراف آن، محل ازدحام به خاطر طواف، استلام، نماز و دعاست، به آن «بگه» گفته می‌شود. (قرشی، ۱۴۱۲ق. / ج ۱، ص ۲۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش. / ج ۲، ص ۷۹۷) برخی از مفسران ذیل آیه «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ» (آل عمران: ۹۶) آورده‌اند: کعبه بدان جهت بگه نامیده شد که گردن‌های ستمگران را می‌کوبد و کسی قصد سوء به آن نکرده، مگر آن که خداوند او را شکست داده است؛ (طبرسی، ج ۲، ص ۷۹۷). امام صادق علیه السلام علت نامگذاری کعبه به بگه را گریه مردم در اطراف و درون آن می‌شمارند؛ (شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۹۷).

آری، خانه کعبه پیوندی ناگسستی با اشک و آه داشته و خیرات و برکاتی برای انسان به ارمغان می‌آورد که وسیله هدایت او می‌شود. کعبه با جایگاه رفیع و بلندش می‌تواند هدایتگر بشر

باشد و دست او را تا وصول به مقصود گرفته و راهنمایی کند. اما این هدایتگری کعبه فقط با تضرع، راز و نیاز و اشک و آه امکان‌پذیر است. (فعالی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰).

یکی دیگر از نام‌هایی که در منابع روایی؛ از جمله قرآن کریم بر خانه کعبه اطلاق شده، «بیت‌المعمور» است. واژه «معمور»، فاعل به معنای مفعول می‌باشد؛ (حمیری، ۱۴۲۰ق. / ج ۷، ص ۴۷۵۵) از این رو «بیت‌المعمور» به خانه آباد شده گفته می‌شود. آبادی کعبه به دو جهت قابل تبیین است؛ یکی از جهت مادی که همواره خانه کعبه آباد بوده و اگر هم در معرض ویرانی و تخریب قرار گرفته، به سرعت تجدید بنا و آباد شده است؛ دیگر اینکه بیت‌المعمور اشاره به عمران و آبادی و رفعت معنوی این خانه دارد؛ چرا که کعبه نخستین معبد کره خاکی است که در محاذی خانه‌ای در آسمان به نام بیت‌المعمور قرار دارد. (فعالی، ص ۱۷۱)

امام باقر علیه السلام درباره جایگاه بیت‌المعمور می‌فرماید:

«خداوند، زیر عرش چهار استوانه قرار داد و آنها را «ضُراح» نامید، و آن بیت‌المعمور است و به فرشتگان فرمود: پیرامون آن طواف کنید، سپس فرشتگان را فرستاد و فرمود: در زمین نیز بنایی همانند آن و به اندازه آن بسازید و به کسانی که در زمین بودند، دستور داد تا آن خانه را طواف کنند.» (طبرسی، ج ۱، ص ۳۸۹؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق. / چاپ دوم، ج ۴، ص ۱۱۷).

بنابراین، «بیت‌المعمور» یا عنوانی برای کعبه و یا اسم خانه‌ای در عرش الهی است که کعبه در محاذات آن قرار دارد. به هر تقدیر که باشد، کعبه نسبتی گسست‌ناپذیر با آسمان و عرش الهی داشته و از آنجا تنزل یافته و رشحه‌ای از بهشت دارد و عظمت و بزرگی خود را از خدای متعال کسب نموده است؛ (فعالی، ص ۱۷۱).

ویژگی‌های نمادین کعبه

کعبه از ویژگی‌ها و امتیازات نمادین و منحصر به فردی برخوردار است که هر کدام حکایت از شرافت و فضیلت آن دارد. در ذیل به شرح و تبیین و رمز‌گشایی از آنها می‌پردازیم:

۱. عرش خدا در زمین؛ کعبه نماد عرش خدا و تجلی بیت‌المعمور در زمین است؛ خداوند متعال برای این که انسان فرشته‌خو شود و آثار فرشتگان در او تجلی یابد، وی را به طواف حریم

کعبه‌ای فرامی‌خواند که معادل بیت معمور در عرش خداوند است؛ از این رو، همان طور که فرشتگان اطراف عرش الهی در طواف بوده و مشغول تسبیح خدای سبحان و طلب آمرزش برای بندگان هستند، در زمین نیز کعبه را معادل بیت المعمور در عرش بنا کرد تا انسان فرشته‌وار گردد آن طواف کند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، چاپ دوازدهم، ص ۹) و همانند فرشتگان که دائماً با عرش الهی در ارتباط‌اند، در هر زمان و مکان با کعبه که به محاذات عرش بنا نهاده شده، در ارتباط باشد.

در باب ارتباط آیین گزار با خانه کعبه می‌توان گفت: خداوند کعبه را محاذی بیت المعمور و بیت المعمور را محاذی عرش قرار داد تا انسان آن‌گونه که شایسته و بایسته است بر گردد کعبه طواف کند و به بیت المعمور صعود نماید و از آنجا به مقام عرش الهی راه یابد. بنابراین، اگر آیین گزار در ارتباط با کعبه، این معنای ژرف و عمیق را درک نکرده و هدفش از طواف کعبه تعالی روح نباشد و این خانه را معادل بیت معمور نداند و آن را همانند عرش، در زمین نیابد، به موقعیت و جایگاه والای کعبه راه نیافته است.

۲. مدار و محور توحید؛ کعبه قبله عاشقان خدا و خانه پروردگار و تجلیگاه توحید در زمین است؛ از این رو، جایگاه و هندسه کعبه با هدایت الهی و بر منای توحید صرف بوده و هیچ‌گونه شرکی را بدان راهی نیست؛ «وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا»؛ (حج: ۲۶). بنای کعبه به دست ابراهیم علیه السلام بوده که موحد و ذوب شده در توحید بود؛ بنابراین، خلوص و صفای معمار، ظهوری خاص در بنای آن داشته و هندسه آن با قداست و خلوص آمیخته است. بدین جهت کعبه با هندسه الهی‌اش، موضوع و متعلق احکام و فروع فقهی بسیاری؛ از جمله حج است که همه آنها در گرو اخلاق صحیحی است که مرهون عقیده سالم توحیدی است؛ همان‌گونه که توحید شجره طوبی است و تقوا میوه آن است، کعبه نیز که بر اساس توحید ناب بنا شده، اصل همه بنیان‌هایی است که بر پایه تقوا تأسیس شده‌اند؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ش. / چاپ دوم، صص ۲۲۶-۲۲۳).

۳. فروتنی و تواضع؛ کعبه مظهر تواضع بندگان در برابر عظمت خداوند و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت اوست. (سید رضی، ۱۴۱۴ ق. / ص ۱۲) حاجی در ارتباط با کعبه، این خانه با عظمت خداوند، هر چه پایین‌تر رفته و از بلندی فروتر آید، به کعبه که نماد عظمت خداست، نزدیک‌تر می‌شود؛ این نشان از آن دارد که آدمی با فروتنی و خشوع به شکوه و جلال می‌رسد. از

بندگی به بلندی و از رو به پایین نهادن رو به بالا می‌نهد؛ این یعنی خدا رانه در آسمان‌ها و ماوراء بلکه در همین زمین پست، در عمق مادیت سنگ سخت می‌توان یافت و دید؛ البته به شرط آنکه راه را درست یافت و درست دیدن را آموخت. (شریعی، ص ۵۸).

۴. عظمت خدا در زمین؛ کعبه نمادی از عظمت و جبروت خداوند بر روی کرهٔ خاکی است. کعبه گرچه فقط اتاقی خالی است که از سنگ‌های سیاه خشن و تیره رنگی بر روی هم چیده شده، (شریعی، ص ۶۰) اما همین کعبهٔ سنگی، با دنیایی از جلال و جبروت، سر به آسمان کشیده و سایه بر بندگان خدا افکنده و دامن به دست آنها داده و آنان را در آغوش می‌گیرد. آیین گزاران نیز در ارتباط با کعبه، با شعور و عطشی وصف ناپذیر، گرداگرد آن حلقه زده و آن را چونان جانی عزیز و شیرین در بغل می‌فشارند و پروانه‌وار بر گرد آن می‌چرخند. با دیدن این صحنهٔ با عظمت و اعجاب انگیز، دل‌هایشان از جا کنده شده و بدن‌های آنها مرتعش و چشم‌هایشان چونان ابر بهاری باریدن می‌گیرد و بی‌اختیار زبان به تعظیم و تکریم خانهٔ کعبه چرخانده و خطاب به آن می‌گویند: «شکر آن خدای را که این چنین عظمت و شرافت و مکرمت، به تو عطا فرموده و تو را محل رجوع مردم و خانهٔ امن بشر قرار داده و وسیلهٔ هدایت و سعادت جهانیان گردانیده است.» (شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۳۰)

۵. مدار پاکی و مطاف پاکان؛ کعبه در روی زمین نماد و رمزی از طهارت و پاکی در جهان هستی است؛ چرا که خانهٔ پاکی است که به دست بهترین پاکان ساخته شده و جز پاکان را نمی‌پذیرد. دستوری جز فرمان طهارت روح نداده و سنتی جز سنت پاک توحید را روا نمی‌دارد. چون کعبه بر اساس توحید و اخلاص بنا شده و شرک در آن راه ندارد؛ تنها پارسایانی به حریم آن راه می‌یابند که از شرک و طغیان منزّه باشند (جوادی آملی، ص ۲۳۲)؛ چرا که زیارت خانهٔ طهارت یافته، با نجاست درونی مثل شرک و صفات رذیله و بندگی غیر خدا سازگار نیست؛ کعبه دست پاک خداست که تنها با بندگان پاکش مصافحه کرده و دست آنان را می‌فشارد و دست مشرکان را به دست خدا راهی نیست. (فعالی، ص ۱۹۲).

بنابراین، همچنان که عرش الهی از تمامی بدی‌ها پاک و مبراست و فرشتگانی پاک آن را طواف می‌کنند، کعبه نیز مرکز توحید و پاک از شرک و آلودگی‌هاست و طواف کنندگانش پاکانی هستند که از هر آلودگی و رجز و رجسی پاک و مصون‌اند. (جوادی آملی، ص ۱۳).

۶. محور آزادی و مطاف آزادی خواهان؛ کعبه نمادی از آزادی و آزادی‌خواهی در زمین است. خداوند متعال برای این که صفت آزادی و آزادگی فرشتگان (که از رذایل آزادند) در انسان تجلی یابد، کعبه را خانه آزاد معرفی کرد تا مردم در اطراف آن آزادانه طواف کرده و درس آزادی و آزادگی آموزند؛ از این رو می‌بایست کعبه مطاف آزادی خواهان و کسانی باشد که جز خداوند طوع انقیاد کسی را بر گردن نهاده و خود را از قدرت‌های ظاهری و تمایلات نفسانی رها ساخته و در کمال آزادی به پرستش خداوند یکتا و طواف بر حول محور رها شده از اسارت بندگان می‌پردازند. (قائدان، بی‌تا، ص ۳۴) باید کسانی به زیارت کعبه نایل شوند، که نه مملوک آز و برده حرص درونی باشند و نه بنده دیگران؛ زیرا بردگی، با طواف بر مدار آزادی سازگار نیست (جوادی آملی، ص ۲۴۷ و ۲۴۸).

بنابراین، حاجی در ارتباط با کعبه آن را قبله گاه خویش قرار داده و به حریت و آزادی دست می‌یابد؛ وی با پرستش خدای یکتا و گردن نهادن به بندگی او، از بردگی و ذلت در برابر دیگران رها می‌گردد.

۷. جاذبیت خارق العاده؛ کعبه مغناطیس نیرومندی است که انسان‌ها را مانند بُرده‌های آهن به سوی خود جذب کرده و به چرخش در می‌آورد. امیرمؤمنان، علی علیه السلام در وصف ازدحام پراشتیاق حجّاج که نشان از جاذبه کعبه دارد، می‌فرمایند:

«همان طور که وقتی حیوانات تشنه، به آب می‌رسند، با عجله و شتاب یکدیگر را عقب می‌زنند، حجّاج و زائران خانه خدا نیز با دیدن کعبه، آنچنان آتش شوق در دل‌هایشان مشتعل می‌گردد که گویی عقل و هوش از سرشان پریده و همانند شتران عطشان به آب رسیده، با بی‌تابی و التهاب عجیب پیش می‌روند و یکدیگر را عقب می‌زنند و مانند کبوتران، که به سوی آشیانه بال و پر زنان و شتابان می‌روند، این دلباختگان نیز، با قلبی مشتاق و روحی مواج از شور و هیجان، به جانب خانه معبود می‌شتابند.» (سید رضی، ص ۱۲)

آری، گرایش انسان‌ها به کعبه، نشان از جاذبیت خاص آن دارد که نشأت گرفته از نفوذ اراده الهی در نوای گرم ابراهیم علیه السلام است که پس از اتمام بنای کعبه مردم را به سوی آن فراخواند. (حج: ۲۷)

۸. مصونیت اعجاز آمیز؛ کعبه که حدود چهار هزار سال پیش، به دست ابراهیم و به کمک فرزندش اسماعیل علیه السلام، در صحرایی سوزان و خالی از آب و آبادی، از سنگ و گِل بنا شد و با

وجود تمام حوادث و سوانح، همچنان ثابت و پابرجاست و همواره دلدادگانی از سرتاسر جهان در برابر آن خضوع و خشوع می‌کنند. (ضیاء آبادی، ص ۱۱۰) این ویژگی کعبه به خاطر آن است که تدبیر و ربوبیت آن به دست خداوند بوده و خود عهده‌دار حفظ آن از گزند حوادث است؛ بنابراین، اگر کسی با ارادهٔ ستمگرانه، لباس الحاد به تن کند و بخواهد این راه الهی را ببندد و مردم را از زیارت و عبادت آن منصرف کند، خداوند متعال که خود تدبیر و ربوبیت آن را عهده‌دار است، او را به عذابی سخت گرفتار خواهد کرد (جوادی آملی، صص ۲۶۲ و ۲۶۳)؛ ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (حج: ۲۵).

۹. پناهگاه امن بشر؛ کعبه، نمادی از پناهگاه جامعهٔ انسانی و خانهٔ امن بشر است؛ (بقره: ۱۲۵) این ویژگی و خصوصیت امنیتی، اثری حقوقی را برای کعبه و اماکن مقدّس اطراف آن رقم زده است؛ از این رو، نه تنها هیچ پناهنده‌ای را نمی‌توان در آن دستگیر و یا مورد آزار و اذیت قرار داد، بلکه مخالفان و منتقدان می‌توانند با آرامش خاطر، فریاد اعتراض خود را بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای به گوش جهانیان برسانند. از این رو است که کعبه می‌تواند نقش تریبون آزاد برای حق‌جویی، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و اعتراض به نامردمی‌ها ایفا کند. (شرف‌الدین، ۱۳۸۷، ص ۲۰). ویژگی امنیتی کعبه از این نیز فراتر رفته و نه تنها آدمیان و صاحبان درایت و شعور را که قادر به استیفای حقوق‌اند، بلکه همهٔ جنبندگان را نیز در بر گرفته و تا عالم نبات و حیوان کشیده شده است؛ کسی حقّ کندن گیاه و شکستن و بریدن درخت حرم و آزرده و کشتن حیوانات و حتی رم دادن پرندگان از لانه و آشیانه ندارد. (ضیاء آبادی، ص ۱۰۶).

۱۰. آزمایش بندگان؛ خداوند متعال، کعبه را محور و جایگاهی برای امتحان و آزمایش انسان‌ها، در جایگاهی خشک و سوزان قرار داد تا انگیزه‌های محیطی و تفریحی، سبب ایجاد میل و رغبت به آن نشده و انسان‌ها با هدف خوشگذرانی قصد آن نمایند؛ (شریفی، ص ۲۶۵) چرا که تحمل سختی‌ها و پیمودن راه‌های طولانی برای شرکت در مراسمی عظیم و طاقت‌فرسا، اما لذت‌بخش، علاوه بر ادای تکلیفی واجب، آزمایشی بزرگ و الهی و نشانگر روح طاعت و بندگی می‌باشد، که تنها در سایهٔ یقین به وعده‌های الهی می‌توان به این دشواری‌ها تن داد و آنها را به دل و جان خرید (صادقی اردستانی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۰). امام صادق علیه السلام در تعبیری نشانه‌شناختی می‌فرماید: «این خانه‌ای است که خداوند به وسیلهٔ آن، بندگانش را به پرستش واداشت تا با آمدن

به این مکان، میزان پیروی و اطاعت آنان را بیازماید. از این رو، بندگان خود را به بزرگداشت و زیارت این خانه برانگیخت.» (کلینی، ج ۸، ص ۴۰)

بنابراین، حاجی در ارتباط با کعبه، این میدان امتحان و آزمایش، با قدرت ایمان و یقین، شیطان ناپاک را بر زمین کوبیده و با نغمه توحید و آهنگ عبودیت، لیبک گویان رو به خانه معبود شتافته و از این امتحان، سربلند بیرون آمده و درهای فضل و بخشش الهی را به روی خویش می‌گشاید.

۱۱. برکات الهی؛ کعبه، گرچه در بیابانی خشک و بی آب و علف و در میان کوه‌های سنگی سیاه و خشن بنا شده، اما دارای برکات مادی و معنوی فراوانی است و همواره از نقاط مختلف جهان انواع نعمت‌ها به سوی آن سرازیر شده و در طول تاریخ از مراکز مهم و پرتحرک تجارت به شمار می‌رفته است؛ (یزدانی، ۱۳۷۹ ش. / صص ۲۵ و ۳۱). از جهت معنوی نیز خانه کعبه دارای برکات بیشماری است؛ کعبه با کشش و جاذبه معنوی که دارد، دل‌ها را منقلب ساخته، نفس‌ها را از آلودگی پاک و انسان‌های معصیت‌کار را به صحنه با عظمت توبه می‌کشاند تا با اجرای صحیح مناسک حج، راه تحصیل خیر دنیا و آخرت را یافته و به مقام قرب حق و خشنودی او نایل آیند. (انصاریان، ۱۳۸۶ ش. / ص ۶۷).

۱۲. هدایت عالمیان؛ کعبه نخستین خانه‌ای است که به نام خدا و برکت و هدایت ساخته شد و از بزرگترین آیات الهی است که پیوسته آیات خداوندی را در خاطره‌ها زنده نگه داشته و در روزگاری دراز کلمه حق را در دنیا حفظ کرده است؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق. / چاپ پنجم، ج ۷، ص ۲۲۵)

از این رو، کعبه نماد هدایت‌گری و رهنمود عملی خداوند در روی زمین است؛ چرا که کعبه یا با خودش و از نزدیک و یا با ذکر خیرش از دور، خود را بر فهم و قلب مردم عرضه نموده و مردم را در طاعات و عبادات و تمامی شؤون زندگیشان متوجه خود می‌سازد؛ پس کعبه به تمامی مراتب هدایت از خطوط ذهنی گرفته تا انقطاع تام از دنیا و اتصال کامل به عالم معنا، به تمام معنا هدایت است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق. / چاپ پنجم، ج ۳، ص ۳۵۱).

نقش هدایت‌گری کعبه تا آنجاست که کشش و جاذبه‌اش انسان‌ها را در هر عصر و زمانی، از سرتاسر جهان، از دور و نزدیک به سوی خود کشانده و به سبب نشانه‌های روشن الهی که در آن و اطرافش وجود دارد، انسان‌ها را در ارتباطی تنگاتنگ با خداوند قرار داده و رهنمون‌کننده آنان به

جهتی است که باید بدان سو نماز گزارند و با انجام حج و طواف بر گردش، آنها را به بهشت برین راهنمایی می‌کند. (طبرسی، ج ۲، ص ۷۹۸).

۱۳. پرچم و بیرق اسلام: کعبه نمادی از پرچم و بیرق اسلام است؛ علی علیه السلام می‌فرماید: «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِّلْإِسْلَامِ عَلَمًا»؛ «خداوند سبحان، کعبه را پرچم و نشان اسلام قرار داد.» خاصیت پرچم این است که نماد بقای یک کشور و ملت و استقرار و پایداری یک سپاه و فرو افتادنش نشانه سقوط آن ملت است (رهبر، ۱۳۷۷، ص ۱۰). همان گونه که پرچم، رمز اتحاد و یگانگی جمعیت‌ها و ملت‌ها و نشانه همبستگی آنهاست و بر پا بودن آن، علامت حیات آنهاست، کعبه نیز برای اسلام چنین است؛ کعبه، پرچم مقدس اسلام و رمز وحدت و استقلال مسلمانان است؛ (مطهری، ۱۴۲۹ق. ۱۳۸۷ش. / چاپ پنجم، ص ۲۴).

جایگاه و ارزش کعبه در اسلام، موقعیت پرچم و درفش هر قدرت و مکتبی است؛ از این رو می‌بایست همواره بسان پرچم و درفشی با شکوه بر فراز بنای رفیع اسلام برافراشته بماند تا نشان از بر پایی و قدرت و شکوه اسلام باشد. (میقات حج، ش ۳۶، ص ۱۷).

۱۴. مایه قوام دین: کعبه، قوام دین و مایه استواری آن است؛ «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكُعْبَةُ»؛ (کلینی، ج ۸، ص ۲۲۸؛ شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۲۱). بنابراین، وجود کعبه نشان از بقا و استواری دین دارد. به همین جهت حضور در کنار کعبه مقاوم و استوار با اجرای مناسک روحانی حج و از جمله طواف تغییر بنیادین در بینش و روش انسان‌ها ایجاد کرده و مبانی اعتقادی و رفتاری آنان را به گونه‌ای محکم می‌کند که دیگر حاضر نیستند در موقعیت‌های گوناگون زندگی، از اصول اعتقادی و رفتاری دین فاصله گرفته و عملی بر خلاف دستورات آن انجام دهند. بنابراین، مهجور شدن و ترک خانه کعبه، سبب مهجور شدن دین می‌شود؛ چرا که کعبه برای دین خداوند به مثابه استخوان ستون فقرات است که انسان بر آن استوار است؛ اگر سالم و پایرجا باشد، سبب استقامت و شتاب گرفتن انسان در رسیدن به مغفرت و پیشی گرفتن در کارهای نیک و خیر می‌گردد. اما ناتوانی و سستی آن موجب از بین رفتن استقامت و پیشی گرفتن وی در کارهای نیک می‌شود. بر این اساس با مهجور و متروک شدن خانه کعبه، ارتباط با این مرکز اقتدار قطع شده که در نتیجه آن، دین نیز قوام و استواری خود را از دست خواهد داد. (جوادی آملی، ص ۲۴۱).

۱۵. مایه قوام و استواری مردم: کعبه نماد قیام و مقاومت انسان‌ها برای امثال دستورات

الهی و پرهیز از باطل و ستیز با آن است؛ ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾؛ (مائده: ۹۷)

کعبه نقش مهمی در قیام و قوام زندگی انسان‌ها دارد؛ به همین جهت می‌تواند جایگاهی مهم برای طرح و حل مشکلات مردم، به ویژه مسلمانان باشد و موجب سازندگی آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی شود و آنان را به جهتی واحد سوق دهد. (محمد اکبر، ۱۳۹۰ ش. / ص ۵۳) کعبه آنگاه مایه قوام و قیام خواهد بود که مردم به وسیله آن و به یاری برکات طبیعی و وضعی الهی - که خداوند در آن نهاده است - بتوانند یک مرکزیت بین‌المللی حول آن به وجود آورند و به وسیله آن مرکز و اداره صحیح آن، به حل مشکلات کمرشکن اجتماعی و بین‌المللی خود پردازند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۱ ش. / ص ۲۰۴)

بنابراین، کعبه پایه حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها است؛ زیرا مسلمانان در هر شبانه‌روز پنج بار به سمت آن نماز گزارده، اموات خود را به سوی آن دفن کرده، قربانی‌های خود را در جهت آن ذبح می‌کنند. در ایام حج، مسلمانان سراسر جهان، با انجام مناسکی با شکوه، در کنار خانه کعبه تجمع کرده، امت واحدی را تشکیل می‌دهند و شاهد منافع مادی و معنوی خویش می‌باشند. پس می‌توان گفت: کعبه مایه قوام و قیام انسان‌هاست. (طباطبایی، ج ۶، ص ۱۴۲).

۱۶. برابری و مساوات؛ کعبه، بنیانی الهی برای همه مردم در گستره تاریخ است، بدون آنکه اختصاص به شخص یا گروه و زمان و اقلیمی خاص داشته باشد. (جوادی آملی، ص ۲۴۹)

منشور حج، منشور وحدت و مساوات انسان‌هاست. همسانی میان سیاه و سفید، عرب و عجم، شریف و وضعی، فقیر و غنی و... بازرترین فراز تربیتی و تذکار انسان‌شناختی حج است. حج، صادقانه‌ترین، بی‌ریاترین، بی‌شائبه‌ترین و واقعی‌ترین قطع‌نامه‌های رفع تبعیض و کنار نهادن فاصله‌های طبقاتی، اجتماعی و فرهنگی و در یک کلام اعلان مساوات بشری است. دور ریختن هر چند موقت این تفاخرات و تشخصات که بر عارضی و سطحی بودن آنها در جنب ویژگی‌های اصیل انسانی دلالت دارد، روابط میان انسان‌ها را تسهیل و تعمیق می‌سازد؛ (شرف‌الدین، صص ۲۳ و ۲۴) از این رو، آنان که برگرد کعبه و محور مساوات می‌چرخند، باید هرگونه امتیاز فردی و نژادی را از خود بزدايند و ره‌آوردشان از حضور در تجلیگاه برابری، آموختن مساوات باشد؛ به گونه‌ای که هیچ فرد و گروهی را جز بر مدار تقوا، فضیلت و برتری ندهند. (جوادی آملی، ص ۲۵۰).

۱۷. اتحاد و انسجام؛ کعبه مظهر و تجلی اتحاد، همبستگی و وحدت کلمه مسلمانان است؛

اتحاد و انسجام و پیوند جهانی مسلمانان با کعبه گسست‌ناپذیر و غیر قابل قطع است؛ زیرا به سبب کروی بودن زمین و اختلاف جهت قلهٔ بلاد و شهرها و نیز یکسان نبودن وقت نماز و دعا و... برای مردم کرهٔ زمین، در هر لحظه، فردی از سویی به سمت کعبه در حال نماز و نیایش است؛ به گونه‌ای که لحظه و آنی این پیوند قطع نمی‌شود.

آری، همچنان که فرشتگان پیوسته با عرش الهی در ارتباط‌اند، مسلمانان سراسر جهان نیز در هر لحظه و در هر مکان با کعبه که در محاذات عرش بنا شده، با هم در رابطه هستند. گرچه به هر سمت و سویی که نگریسته شود وجه خدا آنجا هویدا است، (بقره: ۱۱۵) اما با این وجود، سنت الهی بر آن است که انسان‌ها در هر جای کرهٔ خاکی که باشند، هنگام عبادت رو به سوی مسجدالحرام نموده (بقره: ۱۴۴)، اتحاد و همدلی خویش را به محضر ربوبی اظهار نمایند. (جوادی آملی، ص ۲۱۳).

۱۸. پیوند با ولایت؛ روح مراسم و مناسک حج و حرمت کعبه، به احترام ولایت و امامت و شناخت امام و خضوع در برابر اوست. بنابراین، حج‌گزاری که امام خویش را نشناسد و زندگی او چون مرگش جاهلی باشد، (مازندرانی سرّوی، ۱۳۷۹ق. / ج ۱، ص ۲۴۶) اگر به درون کعبه نیز پناه ببرد، از امان الهی برخوردار نبوده و دشمن وی مهلت می‌یابد تا دستگیرش نماید، هر چند این کار در گرو ویرانی کعبه باشد؛^۱ زیرا هیچ فراخوانی از سوی خداوند مهم‌تر از دعوت به ولایت و امامت نیست؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۰ش. چاپ دوم) «لَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ». (کلینی، ج ۳، ص ۵۳) به همین جهت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هرگاه یکی از شما حج گزارد، باید حج خود را به زیارت ما ختم کند؛ زیرا این، یکی از

عوامل تمامیت حج است.» (شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۵۹)

بنابراین، گنش گرانی که به خانهٔ کعبه مشرف می‌شوند، علاوه بر طواف برگرد کعبه گِل می‌بایست بر گرد کعبه دل و حرم ولای اهل بیت علیهم السلام نیز طواف نموده و با آن بزرگواران ارتباط برقرار نمایند.

۱. مانند آنگاه که ابن زبیر که ضد حق و مخالف امام سجاد علیه السلام بود به کعبه پناهنده و در آن متحصّن شد و چون خداوند اراده کرد برای مردم بیان کند که به ضد حق پناه نخواهد داد، حجاج ثقفی را مهلت داد تا کعبه را بر سر او ویران کند (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۹)

۱۹. **آمرزش گناهان؛** کعبه اکسیری است که گناهان را به حسنات تبدیل می‌سازد؛ از این رو، ورود به درون آن، نماد ورود به فضای رحمت خداوند و خروج از آن، پاک شدن از گناهان است. پس کعبه جایگاه مغفرت و آمرزش گناهان است و انسان را از آلودگی و گناه پاک کرده، به سر منزل مقصود نزدیکش می‌سازد؛ از آنجا که خداوند مری و تربیت کننده انسان است، به منظور تربیت وی، راه حل‌ها و تمهیداتی را فراهم نموده است؛ یکی از این تمهیدات، خانه کعبه است؛ (فعالی، بی تا، صص ۶۸ و ۶۹) چنانکه وقتی آدم علیه السلام مرتکب خطا شد و خداوند او را به زمین فرستاد، آدم به سوی خانه کعبه رفت و چونان ملائکه که دور عرش طواف می‌کنند، هفت مرتبه پیرامون خانه طواف کرد، آنگاه نزد مستجار ایستاد و ندا برآورد: پروردگارا! مرا ببخشای. ندا رسید: تو را بخشودم. آدم علیه السلام گفت: خدایا! فرزندانم را نیز! ندا رسید: ای آدم! هریک از فرزندان تو اگر مانند تو به گناه خویش در اینجا اعتراف کند، می‌آمرزم. (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق. / چاپ دوم، ج ۱، ص ۲۹۲؛ محمد رضا نعمتی، ۱۴۱۶ق. / ص ۲۵)

شکل ظاهری کعبه

کعبه، چنانکه از نامش پیداست، به شکل مکعب است. مکعب نمادی است از ثبات، استواری و استحکام.^۱ علاوه بر این، طواف، مرکزیت کعبه را تداعی می‌کند (میرچا الیاده، ۱۳۷۲ش. / ص ۳۵۳) و مکعب نمایانگر استحکام، سکون و ثبات حرکت دورانی است و فضا را در هر سه بعد می‌نمایاند. (آلفرد هوهنه گر، ۱۳۷۹، چاپ ششم، ص ۴۵). کعبه فضایی است که در اعماق زمین ریشه داشته و تا هفت طبقه بالای آن ادامه دارد. همان طور که امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا».

(شیخ حرّ عاملی، ج ۴، ص ۳۳۹)

۱. باستانی، لعیاء، بررسی مفاهیم نمادین شکل‌ها، تهران، اداره کل پژوهش‌های سیمما (صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲

«ریشه کعبه از هفتمین طبقه زیرین زمین است تا هفتمین طبقه بالای آن.»

کعبه، تنها مجموعه سنگی نیست که اگر به جای دیگری برده شوند، بتوان با آنها کعبه دیگری ساخت. بنابراین، نمی توان آن را تغییر داد؛ چرا که از ثبات و پایداری ابدی برخوردار بوده و هست و هرگز دستخوش تحوّل و جابه جایی نمی گردد؛ تاریخ نیز مؤید این مطلب است؛ از زمان ابراهیم علیه السلام بلکه از زمان آدم علیه السلام که کعبه بنا شد، موقعیت و جایگاه آن تغییری نکرد. بنابراین، کعبه که نماد دائمی اسلام و دیگر ادیان ابراهیمی است، خود از ویژگی ثبات برخوردار است. در واقع، همان طور که دین اسلام جاودانه و ابدی است، نماد آن نیز جاودانه، ابدی و دارای ثبات است تا از این طریق فرهنگ و تمدن اسلامی به نسل های بعدی منتقل شود. (محمّدی، ۱۳۹۳، صص ۹۱ و ۹۲).

معماری کعبه، وجه نمادین آن را قوت بخشیده است؛ شش جهت بودن کعبه که تمامی جهات متناقض را در خود جمع کرده، نشانی از بی جهتی آن است و سادگی و بی زینت بودن آن، تداعی گر مطلق و خارج از توصیف بودن خداوند است. (شریعتی، صص ۶۳-۶۰).

کعبه که نمادی از خدا در جهان هستی است، از قطعه های سنگ سیاه و بی هیچ هنر، تکنیک، تشخّص و تزینی به شکل مکعب ساخته شده است. سادگی و مکعبی شکل بودن کعبه گویای این حقیقت است که خدا بی شکل و رنگ و بی شبیه است و هر طرح و وضعی که آدمی تصوّر کرده و برگزیند، خدا نیست؛ بلکه خدا مطلق و بی جهت است و این آدمی است که در برابر او جهت می گیرد؛ این است که انسان در جهت کعبه است و کعبه خود جهت ندارد. اما چون اندیشه آدمی، از فهم بی جهتی قاصر است و هر چه را نماد و رمزی از وجود خدا (بی سویی مطلق) فرض شود، ناچار، جهتی گرفته و می گوید: رمز خدا نیست، تنها بدین صورت می توان بی جهتی را در زمین نشان داد، که تمامی جهات متناقض را با هم جمع کرده تا هر جهتی، جهت نقیض خود را نفی کند و از این طریق آدمی به بی جهتی پی ببرد.

تنها شکلی که همه جهات (که شش تا است) را در خود جمع می کند، مکعب است و مکعب یعنی همه جهات و همه جهات، یعنی بی جهتی! و نماد و رمز عینی آن کعبه است؛ ﴿أَيُّهَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾ (بقره: ۱۱۵) از این روست که در درون کعبه، به هر جهتی نماز گزارده شود، رو به او گزارده شده و در بیرون کعبه، به هر سمتی رو شود رو به او شده، اما هر شکل دیگری (جز کعبه) یا رو به شمال است، یا رو به جنوب، یا به سوی شرق کشیده یا رو به غرب، یا به زمین مایل است و یا به آسمان. (شریعتی، صص ۶۲ و ۶۳).

ممکن است تصور شود که اگر خداوند، خانه کعبه را دایره‌ای شکل قرار می‌داد بهتر بود؛ چرا که دایره با حرکت دورانی طواف همخوانی و انسجام بیشتری دارد؛ اما برخلاف آنچه به اذهان خطور می‌کند، خداوند متعال خانه خود را مکعبی و چهار گوش قرار داد و به حرکت دایره‌ای پیرامون آن امر نمود؛ زیرا همان طور که مکعب دارای چهار زاویه و گوشه است که هر کدام از آنها جزئی از ذات آن مکعب است و با از بین رفتن هر زاویه و گوشه ماهیت آن در هم شکسته و به کلی تغییر شکل می‌دهد، کعبه نیز چهار گوشه و ضلع دارد که هر کدام از آنها نماد رکنی از حریم تربیت الهی است و نبود هر یک از آن ارکان، مانع بهره‌مندی از ربوبیت الهی می‌شود. (شریفی، ص ۲۲۸).

امام صادق علیه السلام در تعبیری نمادین دربارهٔ مربعی شکل بودن کعبه می‌فرمایند:

«کعبه از آن جهت چهار گوش است که در مقابل «بیت‌المعمور» که چهار گوش است، قرار گرفته و بیت‌المعمور به این دلیل چهار گوش است که در برابر عرش که چهار گوش است، قرار گرفته و عرش چهار گوش است؛ زیرا کلماتی که اسلام بر آن استوار گردیده، چهار تا است؛ سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ.» (شیخ صدوق، بی تا ج ۲، ص ۱۹۱؛ فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶ق. / ج ۱۲، ص ۱۹۷)

رنگ سیاه کعبه

سیاهی رنگ کعبه که به تبعیت سیاهی و تاریکی مکان کعبه، حاصل شده است، نمادی از اندیشه باطل و نافرمانی بنی آدم در برابر فرامین الهی است؛ چرا که بر اساس روایات، نخستین ساختار کعبه، از کف‌های روی آب بوده (کلینی، ج ۸، ص ۱۸) که طبعاً باید سفید باشد، اما به سبب گناهان بشر و بیش از همه کشتن فرزند آدم، رنگ آن به سیاهی گراییده است. چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«جایگاه خانه کعبه نقطه‌ای برجسته بر زمین بود که مانند تابش خورشید و ماه درخشان بود تا اینکه یکی از فرزندان آدم (قابیل)، دیگری (هابیل) را کشت. در اینجا بود که رنگ کعبه سیاه شد.» (کافی، ج ۴، ص ۱۸۹)

بنابراین، سیاهی رنگ کعبه، برگرفته از عدم موفقیت بشر در ارتباط با خدا است که با اندیشه غلط به جای تقویت زمینه ارتباط با خالق هستی، به تقویت موانع و پارازیت‌های ارتباط روی آورده و با سرپیچی و نافرمانی در برابر خداوند، به تسکین پنداری خویش پرداخته است.

سقف کعبه

کارکرد سقف این است که امکان زندگی در خانه را فراهم ساخته و ساکنانش را از سرما و گرما و عوارض محیطی حفظ نماید؛ چون خانه کعبه حریم تربیت الهی است، سقف و ستون‌های آن می‌بایست نماد حقیقتی باشد که این حریم تربیتی را حفظ نموده و امکان سکونت را برای ساکنانش تضمین نماید. آن حقیقت این است که سقف و ستون‌های کعبه که به دست اسماعیل علیه السلام بنا شده، نماد ولایت ذریه آن حضرت علیه السلام می‌باشد؛ چرا که آنان سایبان حریم الهی‌اند و موجبات بقای اهل ایمان را در حریم الهی فراهم می‌آورند؛ از این رو، اسماعیل علیه السلام با مسقف نمودن کعبه، جایگاه ذریه خود را معرفی نموده و فهماند که دین، بدون ولایت آن بزرگواران، از سایبانی که زمینه‌ساز آرامش و سکون است، بهره‌ای ندارد. امام کاظم علیه السلام در تعبیری نمادین به این سخن که سقف کعبه نماد ذریه اسماعیل علیه السلام است، اشاره نموده، می‌فرمایند:

«اسلام (کعبه)، سقفی است که در زیر آن عمود و پایه‌ای قرار دارد که جز به آن پایدار نمی‌ماند؛ ... مقصود از پایه‌ای که اسلام بر آن تکیه دارد، اطاعت از امام معصوم علیه السلام و تمسک به ریسمان ولایت اوست» (بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۷).

امیر مؤمنان علیه السلام نیز درباره دشمنان انبیا و اوصیا که ولایت را از ایشان سلب نمودند، فرمود: «آنها خانه رسالت را خراب نموده و باب وارد شدن به آن را از بین بردند و سقف آن را ویران کردند.» (عاملی کفعمی، ۱۴۰۵ ق. / چاپ دوم، ص ۵۵۲)

این روایات حکایت از اهمیت ولایت اهل بیت علیهم السلام دارد که سقف کعبه تجلی‌گر آن است؛ از این رو، آیین گزار باید با بهره‌مندی از پرتو ولایت اهل بیت علیهم السلام، موجبات بقای خود را در حریم تربیت الهی فراهم آورد.

پرده کعبه

حاجی علاوه بر خانه کعبه، می‌بایست پرده آن را نیز مورد تکریم قرار داده و با دیده احترام و تقدیس به آن بنگرد. پرده کعبه، پارچه ویژه‌ای از جنس حریر سیاه رنگ است که اُسماء و آیات الهی بر آن نقش بسته و سالیانه تعویض می‌گردد. نصب پرده برای کعبه علاوه بر احترام به آن، تبعیت از سنت ابراهیم علیه السلام است که با خاتمه یافتن ساختمان کعبه، پیراهن خود را همچون لباسی بر

در کعبه آویخت و آن را با لباس خود پوشاند. این عمل ابراهیم علیه السلام شاید کنایه از زشتی عربیانی و برهنگی باشد که آدمیزاد از آن شرم دارد، و برهنگی یکی از نمادهای تمرد از فرمان الهی است که والدین اولاد آدم با خوردن میوه درخت ممنوعه، برهنه و شرمزده شدند. (اعراف: ۲۲)

پرده کعبه نمادی از رحمت و اسعه الهی است؛ از این رو، حاجی در ارتباطی نمادین با چنگ زدن به آن، به عنایت و لطف پروردگار خویش متمسک شده و از خداوند می‌خواهد که گذشته تاریکش را جبران نماید و از دریای بیکران رحمتش به وی بچشاند. آویختن به پرده کعبه و تمام وجود خود را وابسته به خدا دانستن و در این حال با او حدیث بندگی سر دادن، لذتی وصف‌ناشدنی دارد. چنگ زدن به حجاب خانه خدا، انسان را بی‌حجاب می‌کند؛ چشم آدمی را باز و قلب او را به مقام فنای فی الله نزدیک می‌نماید. امامان معصوم علیهم السلام آنگاه که به حرم می‌رسیدند با چنگ زدن به پرده کعبه، با حس و حالی وصف‌ناشدنی به راز و نیاز با حضرت حق می‌پرداختند.

ابن شهر آشوب به نقل از اصمعی می‌گوید:

«شبی در حال طواف بودم، جوانی خوش‌چهره را دیدم که خود را به کعبه آویخته بود و با تضرع و دیدگانی اشکبار به خدا می‌گفت: «چشم‌ها در خواب‌اند و ستارگان برافراشته‌اند و تو پادشاه زنده و جاودانی! شاهان درهای درگاهشان را بسته‌اند و نگهبانانی بر آن گمارده‌اند، اما در خانه تو بر روی درخواست‌کنندگان باز است. به سوی تو آمده‌ام تا به من نظر رحمت کنی. ای کسی که رحمت هر صاحب رحمتی از توست!...»

اصمعی در ادامه می‌گوید: «آن جوان را از پشت سر دنبال کردم ناگهان دیدم که

زین العابدین علیه السلام است.» (المناقب، ج ۴، ص ۱۵۱)

امیرمؤمنان علیه السلام در تعبیر ارتباطی لطیف و محسوسی درباره پیام چنگ زدن به پرده کعبه می‌فرمایند:

«چنگ زدن به پرده کعبه، مثل کسی است که در حق دیگری مرتکب گناه و جنایت شده است؛ حال با پشیمانی دست به دامن او می‌شود و گوشه دامنش را گرفته و با تضرع از او تقاضای عفو و گذشت از گناه دارد.» (الکافی، ج ۴، ص ۲۲۴)

سید عبدالله شبر می‌گوید:

«چون به پرده کعبه دست می‌آویزی، باید نیتت اصرار در طلب مغفرت و درخواست امان باشد؛ چونان گنهگاری که دست به دامن کسی زده که نافرمانی‌اش را کرده و با تضرع، از او بخشش می‌خواهد و چنین وانمود می‌کند که هیچ پناهگاهی جز خود او

ندارد. هیچ راه گریزی برای او جز عفو و کرمش نیست و دامنش را رها نمی‌کند، مگر اینکه گذشته‌اش را ببخشد و در آینده به او اطمینان بخشش و امان دهد.» (الاخلاق، ص ۱۲۴)

از دیدگاه نشانه‌شناختی چنگ‌زدن به پرده کعبه، نماد تمسک به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است؛ چرا که آنان حقیقت و مسمای کعبه‌اند. بر این اساس، زائر با چنگ‌زدن به پرده کعبه، خداوند را به حق آنان سوگند داده و با اعتراف به کوتاهی‌های خود در حق ایشان و عزیمت در عمل به ولایتشان، دست نیاز به ساحت آن بزرگواران دراز می‌نماید. (نمادها و رموزاره‌های حج، ص: ۲۲۳)

کلام پایانی

از مجموع آنچه تشریح شد، می‌توان به این نتیجه دست یافت که کعبه پیچیده‌ترین و دائمی‌ترین نماد اسلام است که مبتنی بر جنبه‌های نمادین مختلفی است و آیین گزاران جهت انجام مناسک و اعمالی نمادین با آن در ارتباط می‌باشند؛ علاوه بر این، پیوند و ارتباط آیین گزاران با کعبه نیز در قالب ابعاد مختلف ارتباط انسانی متبلور و متجلی می‌باشد؛ به عنوان مثال: در باب ارتباط انسان با خویشتن، حج گزار با داخل شدن به کعبه، خویشتن را به فضای رحمت خداوند وارد ساخته و با خارج شدن از آن، از تمامی گناهانش پاک می‌گردد.

در باب ارتباط انسان با خدا، حاجی با چنگ‌زدن به پرده کعبه (که نمادی از رحمت واسعه الهی است) به عنایت و لطف پروردگار خویش متمسک شده و از او جبران گذشته سیاه و تاریکش را طلب می‌نماید.

در باب ارتباط انسان با دیگران، کعبه مظهر اتحاد و همبستگی مسلمانان و کانون وحدت و تبادل آرای آنان است که از اطراف و اکناف جهان در کنار آن گرد آمده و با همکاری و همبستگی مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعیشان را حل و فصل می‌نمایند.

و بالاخره، در باب ارتباط انسان با طبیعت، کعبه پناهگاه جامعه انسانی و خانه امن بشر می‌باشد و این ویژگی امنیتی کعبه نه تنها آدمیان، بلکه گستره‌اش همه جنبندگان، از عالم نبات و حیوان را نیز در بر گرفته است و کسی حق‌کندن گیاه و شکستن و بریدن درخت حرم و آزردهن و کشتن حیوانات و حتی رم دادن پرندگان از لانه و آشیانه ندارد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن عجبیه احمد بن محمد، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق قرشی رسلان، احمد عبدالله، ناشر حسن عباس زکی، قاهره، ۱۴۱۹ق.
۲. ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا (ابن فارس)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. اسماعیل بن عباد، صاحب بن عباد (کافی الکفاة)، المحيط فی اللغة، تحقیق آل یاسین، محمد حسن، عالم الکتاب، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۴. انصاریان، حسین، حج در آئینه عرفان، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۶ش.
۵. آلفرد هوهنه گر، نمادها و نشانه‌ها، ترجمه صلح جو، علی، چاپ ششم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
۶. باستانی، لعیاء، بررسی مفاهیم نمادین شکل‌ها، اداره کل پژوهش‌های سیما (صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران)، تهران، ۱۳۸۲ش.
۷. بیگلری، حسن، احکام حج و اسرار آن، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه سنایی، بی‌جا، ۱۳۶۴.
۸. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد ابن حیون، دعائم الإسلام، چاپ دوم، مؤسسه آل الیبت (بیروت)، قم، ۱۳۸۵ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، رضوانی، حسین، عرفان حج، چاپ دوازدهم، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۳.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، چاپ دوم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۹۰ش.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۲. حضر می اشیلی تونسلی، عبدالرحمان بن محمد بن خلدون، تاریخ ابن خلدون، تحقیق شحاده، خلیل، چاپ دوم، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۸ق. / ۱۹۸۸م.
۱۳. الحموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، چاپ دوم، دار صادر، بیروت، ۱۹۹۵م.
۱۴. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکوم، تحقیق العمری، حسین

- ابن عبدالله، مطهر بن علی الاریانی، یوسف محمد عبدالله، دار الفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۱۵. خامنه‌ای، سید محمد، حج از نگاه حقوق بین‌الملل، کیهان، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق داودی، صفوان عدنان، دار القلم - لدار الشامیه، دمشق، ۱۴۱۲ق.
۱۷. رویفعی انصاری خزرچی، جمال‌الدین ابوالفضل محمد بن مکرم (ابن منظور)، لسان العرب، تحقیق میردامادی، جمال‌الدین، چاپ سوم، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۸. رهبر، محمدتقی، ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، نشر مشعر، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۹. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مؤسسه نهج البلاغه، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۰. شبّر، سید عبدالله، اخلاق / جباران، مترجم محمد رضا، چاپ دوم، بی‌نا، قم، ۱۳۷۷ش.
۲۱. شرف‌الدین، سید حسین، «تحلیلی ارتباطی از جایگاه کعبه معظمه»، مجله معرفت، شماره ۱۲۷، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۸۷ش.
۲۲. شریعتی، علی، تحلیلی از مناسک حج، چاپ بیستم، انتشارات الهام، تهران، ۱۳۸۷
۲۳. شریفی، مجتبی، نمادها و رموز واره‌های حج (نشانه‌های الهی در سرزمین وحی)، نشر مشعر، تهران، بی‌تا.
۲۴. صادقی اردستانی، احمد، حج از میقات تا میعاد، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۵ش.
۲۵. ضیاء آبادی، سید محمد، حج برنامه تکامل، چاپ دوم، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۶ش.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق بلاغی، محمد جواد، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۲۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق حسینی، سید احمد، چاپ سوم، کتاب‌فروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ق.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، التیان فی تفسیر القرآن، تحقیق عاملی، احمد قصیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۳۰. عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح للكفعمی، چاپ دوم، دارالرضی (زاهدی)، قم، ۱۴۰۵ق.
۳۱. عاملی، محمد بن حسن (شیخ حرّ عاملی)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.

۳۲. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی بیروت، بی تا.
۳۳. فعالی، محمدتقی، اسرار عرفانی حج، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۳۴. فعالی، محمدتقی، درسنامه اسرار حج، نشر مشعر، تهران، بی تا.
۳۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (ملاً محسن)، السوافی، تحقیق حسینی اصفهانی، ضیاءالذین، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ ق.
۳۶. قائدان، اصغر، نیم‌نگاهی به حج، نشر مشعر، تهران، بی تا.
۳۷. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ ق.
۳۸. قتی، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تحقیق دار الحدیث، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.
۴۰. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، چاپ دوم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۴۱. مازندرانی سرّوی، محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نشر علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
۴۲. مجلسی اصفهانی، محمدباقر بن محمدتقی (علامه مجلسی)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام.
۴۳. محقق، محمد اکبر، حج گنجینه اسرار، نشر مشعر، تهران، ۱۳۹۰ ش.
۴۴. محمد رضا نعمتی حج الأنبیاء و الأئمة علیهم السلام، مشعر، تهران، ۱۴۱۶ ق.
۴۵. محمدی، محسن، ره توشه مبلغ، مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، تهران، ۱۳۹۳ ش.
۴۶. مرکز تحقیقات حج، فصلنامه میقات حج (فارسی)، نشر مشعر، تهران، بی تا.
۴۷. مطهری، مرتضی، حج، چاپ پنجم، صدرا، تهران، ۱۴۲۹ ق. / ۱۳۸۷ ش.
۴۸. موسوی بغدادی، محمد بن حسین بن موسی (سید رضی)، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۴۹. میرچا یاده، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه ستاری، جلال، سروش، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۵۰. نصر، سید حسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه آرام، احمد، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹ ش.
۵۱. نقی زاده، محمد، تأملی در معنای مناسک حج، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۵۲. یزدانی، خلیل الله، حج در ادب فارسی، نشر مشعر، تهران، ۱۳۷۹ ش.